

به نام خدا

(الف)

هر ۵ تا غلط

(ب)

۱ . تعهد و مسیولیت

۲. استعمار (قدیم)

۳. دییسم

۴ . فلسفه های روشنگری

(ج)

۱. دیدگاه اول

۲. عدالت

۳. عقل

۴. بحران معرفتی

۵. رویکرد گزینشی (نسبت به ابعاد معنوی ودینی)

۶. انقلاب فرانسه

۷. روابط تجاری یا گفتگو های مستقیم علمی معرفتی

(د)

۱.

یک : جهان فرهنگی را مهمتر از جهان ذهنی و تکوینی میدانند.

دو : در این دیدگاه جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آنهاست

سه : جهان تکوینی مادهٔ خامی است که فرهنگ- ها و جوامع مختلف در آن دخل و تصرف میکنند.

چهار : جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می دهند.

سه مورد کافیه (هر مورد نیم نمره)

۲.

فرهنگی است که عقاید، ارزشها یا هنجارهای آن متعلق به قوم، منطقه یا

گروه خاصی است ولی نگاهی سلطه جویانه دارد. (۰.۷۵)

چنین فرهنگی با عبور از مرزهای جغرافیایی خود، جهان را به دو منطقه مرکزی و منطقه پیرامونی تقسیم میکند. منطقه مرکزی، منطقه پیرامونی را به خدمت می- گیرد.(۰.۷۵)

۳.

در تاریخ اقوامی بوده اند که با قدرت نظامی بر دیگر اقوام تسلط پیدا کرده اند. غلبه نظامی گرچه به حضور مستقیم مهاجمان در مناطق جغرافیایی مورد تهاجم منجر می- شود، همواره گسترش فرهنگی آنها را به دنبال نمی آورد. (۰.۷۵) = صرف گفتن خیر کافیه برای این قسمت

قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می- خورد، اگر هویت فرهنگیاش را حفظ کند با ضعیف شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم، می-تواند استقلال سیاسی خود را به دست آورد و اگر فرهنگی غنی و قوی داشته باشد، می-تواند گروه مهاجم را در فرهنگ خود هضم کند و به خدمت گیرد (۰.۷۵)

۴.

تفاوت راهبردی استبداد قومی با استبداد استعماری این است که استبداد قومی با وجود اینکه دارای هویتی غیراسلامی بود به دلیل اینکه پشتوانه و پیشینه -ای خارج از جهان اسلام نداشت، از رویارویی مستقیم با فرهنگ توانمند اسلامی دوری میکرد و میکوشید با رعایت ظواهر اسلامی، ظاهر دینی خود را حفظ کند. در مقابل، استبداد استعماری به دلیل اینکه در سایه قدرت و سلطه جهان غرب عمل می- کرد، برای تأمین نیازهای اقتصادی و فرهنگی جهان غرب، چاره- ای جز حذف مظاهر فرهنگ اسلامی نداشت. (۱.۵)

۵.

سکولاریسم آشکار: باورها و فلسفه هایی را شامل میشود که آشکارا، ابعاد غیر مادی جهان هستی را انکار می کنند. (۰.۷۵)

سکولاریسم پنهان: شامل باورها و فلسفه هایی است که ابعاد معنوی هستی را نفی نمی کنند؛

بلکه بخشهایی از باورهای معنوی و دینی را در خدمت اهداف دنیوی و این جهانی قرار میدهند و از توجه یا عمل به بخشهای دیگر سر باز میزنند. (۰.۷۵)

۶.

روشنگری در معنای عام، پدیده ای مدرن و مربوط به فرهنگ معاصر غرب نیست. انبیای الهی از دیرباز برای روشنگری و از بین بردن موانعی آمده اند که راه را بر حقیقت بسته اند (۰.۷۵)

روشنگری در معنای خاص، به مبنای معرفت شناسی پذیرفته شده در فرهنگ غرب گفته میشود و روشی از معرفت و شناخت است که با سکولاریسم و اومانیسم همراه شده است. (۰.۷۵)

۷.

در سطح اندیشه و نظر، مسیحیت آمیخته با رویکردهای اساطیری شد و با قبول تثلیث از ابعاد عقلانی توحید دور ماند. (۰.۷۵)

در سطح زندگی و عمل، مسیحیان و آباء کلیسا در تعامل با فرهنگ امپراتوری روم، به سوی نوعی دنیاگرایی گام برداشتند. کلیسا در این مقطع، عملکرد دنیوی خود را در پوشش معنوی و دینی توجیه می - کرد. (۰.۷۵)

۸.

پیدایش قدرت های سیاسی سکولار

پیوند قدرت با تجارت، سرمایه و صنعت

به خدمت گرفتن مبلغان مذهبی و سازمان های فراماسونری

استعمار و ادغام جوامع در نظام نوین جهانی